



خوانش قصه‌های کودک و نوجوان رضوی

مرتضی دانشمند بر پایه نظریه لیپمن

(مجموعه قصه‌های مهمان امام رضا علیه السلام و آفتاب خراسان)

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۸ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲

خلیل بیگزاده^۱، فرحناز حیدری نسب^۲

چکیده

برنامه فلسفه برای کودکان متیو لیپمن، آموزه‌های پرورش ذهن را مبتنی بر پرسش‌خیزی و چالش‌انگیزی به ناخودآگاه کودک و نوجوان انتقال می‌دهد و بدون اینکه ذهن کودک با اصطلاحات خاص فلسفی درگیر شود، ذهن وی را پرسشگر تربیت می‌کند و اندیشه‌هایش را از طریق متن‌های روایی و داستانی آموزش می‌دهد. برنامه فلسفه برای کودکان (فبک)، ادب روایی را ابزاری مناسب برای پروراندن ذهن کودک می‌داند تا پرسشگر باشد و پرسش مبتنی بر آگاهی از حل بحران، خلاقیت، اندیشه و شناخت از هستی، جهان پیرامونی و باید و نبایدهای زندگی در ذهن وی شکل گیرد. این پژوهش، قصه‌های «مهمان امام رضا علیه السلام» و «آفتاب خراسان» را با تکیه بر الگوی متیو لیپمن از منظر غنای ادبی، فلسفی و روان‌شناختی با رویکردی توصیفی تحلیلی بررسی کرده و اثرگذاری قصه‌های مطالعه‌شده را بر گسترش نگرش اسلامی و مذهبی کودک با هدف افزایش میزان پرسشگری و چالش‌خیزی ذهن وی نشان داده است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، قصه‌های مطالعه‌شده، غنای فلسفی دارند، چون پرسشگری و چالش‌خیزی در حیطه منطقی و علم حقوق در ذهن کودک می‌آفرینند، اگرچه پیرنگ برخی قصه‌ها برای کودک جنبه باورناپذیری دارد. شخصیت‌پردازی و فضاسازی قصه‌ها از زاویه غنای ادبی ضعیف است و بافت روایت‌گونه بدون گفت‌وگوی آن‌ها، خستگی کودک را در پی خواهد داشت. البته واژگان و بافت جمله‌بندی برای گروه سنی «ب» و «ج» مناسب و نشانه غنای روان‌شناختی قصه‌های مورد مطالعه است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودکان، متیو لیپمن، مرتضی دانشمند، قصه، مهمان امام رضا علیه السلام، آفتاب خراسان.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول): kbaygzade@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی: fhaidarinasab@gmail.com

۱. مقدمه

چگونگی پروراندن تفکر و ابزار آن از دغدغه‌های فکری صاحب‌نظران حوزهٔ تعلیم و تربیت است، زیرا گره‌گشای معمای پرورش خلاقیت و پرسشگری در انسان‌هاست که همزمان با رشد جسمی وی و از دورهٔ کودکی صورت می‌گیرد. توجه به این اصل، سبب شده تا شرایط آموزش فکوروزی کودکان مهم تلقی شود، اما اجرای شرایط مناسب پرورش ذهنی کودک به آسانی انجام نمی‌گیرد، چون سن کودک، ذهن طالب سرگرمی، تهاجم تکنولوژی و اسباب‌بازی‌های نوین که سرگرمی وی را مهیا ساخته، تا حدودی راه تمرکزگرای و اندیشه کودک را مختل کرده است. پژوهشگران اذعان می‌کنند که اگر تفکر و خردورزی برای حل این بحران در این شرایط آموزش داده نشود، کودکی که در آینده به جرگه بزرگسالان می‌پیوندد، فکر نمی‌کند یا اگر تأملی داشته باشد، توان اجرای مهارت حل مسئله را به‌طور کامل ندارد؛ چون «خرد، دانش به کار گرفته‌شده به‌طور صحیح و با توجه به پیامدها، جوانب و اصول مربوطه است» (2005, Mckinny)، به نقل از پریخ و همکاران، ۶۲: ۱۳۸۹).

اهمیت پرورش روحیه فلسفی و اندیشه در کودکان، نظریه‌پردازانی نظیر لیپمن^۱، متیوز^۲ و کم^۳ را بر آن داشته است که هر یک به روش‌های گوناگون به این مسئله بپردازند. متیو لیپمن «مؤسسه فلسفه برای کودکان» را در سال ۱۹۶۹ تأسیس کرد که برنامه «فلسفه برای کودکان» از خدمات این مؤسسه است. این برنامه با استقبال کشورهای زیادی مواجه و نخستین بار سال ۱۳۷۳ شمسی در ایران از طرف بنیاد حکمت اسلامی صدرا به‌منزلهٔ یک طرح هدفدار شناخته و گروه فلسفه و کودک در همان تاریخ در این بنیاد پایه‌گذاری شد. بعدها مؤسسه‌ها و دانشگاه‌های دیگری نیز پژوهش‌هایی در این زمینه آغاز کردند (شریفی اسدی، ۱۳۸۷: ۹۷). این برنامه مضامینی حاوی اندیشه فلسفی را بدون درگیری ذهن کودک با اصطلاحات خاص فلسفی از طریق داستان آموزش می‌دهد. البته

1. lipman
2. Matthews
3. Cam

کودک به‌تنهایی نمی‌تواند مفاهیم فلسفی را از داستان درآورد، بلکه در هر مرحله نیازمند تسهیل‌گر است؛ این تسهیل‌گر ممکن است، معلم، پدر یا مادر و ... باشد. پس برای «آموزش مهارت تعقل و استدلال» باید یک محیط برانگیزاننده عقلانی را برای کودکان تدارک ببینیم و آن‌ها را تشویق کنیم تا اجتماعات پژوهشی را شکل دهند» (لیپمن، ۱۹۹۱، به نقل از شوشتری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۶).

معنای فلسفه در این حوزه، چگونگی اندیشیدن، استدلال و کاربرد منطق در زندگی است. هدف فلسفه برای کودکان، یاری دادن به کودکان و نوجوانان برای بهره‌مندی از فلسفه به منظور بهبود یادگیری، پرورش شگرد تفکر خلاق،^۱ تفکر انتقادی^۲ و تفکر مسئولانه^۳ و نیز پرورش ارزش‌های اخلاقی، آموزش ارزش‌های هنری و رشد فردی و میان‌فردی است (لیپمن، ۱۳۸۲: ۲۷). آنچه لیپمن و پیروان وی به دنبال آن هستند، آموزش فلسفه آکادمیک نیست، بلکه آموزش چگونه اندیشیدن، گفتن و عمل کردن است و همین که کودک بپذیرد، درباره هر اندیشه‌ای سؤال، قضاوت و بازنگری کند و برای حل بحران نیز در حلقه گفت‌وگو به کاوش و اظهار نظر بپردازد، اهداف برنامه اجرا شده است.

۱-۱. مسئله پژوهش

مرتضی دانشمند، پژوهشگر قرآن، نویسنده و شاعر کودک و نوجوان، آثاری در ادبیات کودک و نوجوان با رویکرد دینی تألیف کرده است. وی مجموعه قصه‌های «مهمان امام رضا» و «آفتاب خراسان» را برای مخاطبان گروه سنی «ب» و «ج» نوشته که «مهمان امام رضا» قصه‌های مصوری مبتنی بر روایت پنج قصه از زندگانی امام رضا (علیه السلام) با عنوان «اذان پرندگان»، «خانه نو»، «مار و جوجه گنجشک‌ها»، «مهمان امام رضا (علیه السلام)» و «تشکر به موقع از خدا» است که جلد دوم از مجموعه کتاب‌های «رهنمای کودک» است و نیز «آفتاب خراسان» شامل پنج قصه «تقسیم محبت»، «میوه‌ات را کامل بخور»، «در راه

1. thinking creative
2. thinking creatal
3. thinking caring

مانده»، «دو پدر مهربان» و «وعدۀ امام رضا (علیه السلام)» که جلد سوم از مجموعه کتاب‌های «رهنمای کودک» است.

برنامه فلسفه برای کودکان یک قاعدۀ منظم پیش روی پژوهشگران عرصۀ تعلیم و تربیت کودک و نوجوان است که برای اجرا به بازنگری و انطباق با فرهنگ مردم کشور مجری یا هدف نیازم دارد. اندیشمندان علوم تربیتی باید کتاب‌های هماهنگ با فرهنگ خود را برای اجرای این برنامه معرفی کنند؛ بنابراین، کتاب‌های داستانی کودک باید برای رسیدن به این هدف بررسی شود تا کفایت و بسندگی آن‌ها با هدف‌های برنامه فلسفه برای کودکان فراهم آید. کارآمدی ادب‌روایی رضوی این سؤال را در ذهن پژوهندگان مطرح می‌کند که برخورداری داستان‌های رضوی و آموزه‌های اخلاقی آن از بسندگی ادبی، فلسفی و روان‌شناختی بر پایه برنامه فلسفه برای کودکان چگونه است؟ این پژوهش برنامه فلسفه برای کودکان و کاربری آن را در قصه‌های کودکانه مرتضی دانشمند بر پایه بسندگی‌های سه‌گانه با رویکردی توصیفی تحلیلی بررسی کرده و ضعف پردازش قصه‌ها را از منظر بسندگی ادبی نشان داده است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

مطالعات پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهشی در بسندگی ادبی، فلسفی و روان‌شناختی داستان‌های رضوی کودک و نوجوان و نیز، هیچ پژوهشی درباره آثار مرتضی دانشمند انجام نشده است؛ بنابراین، پژوهش پیش روی می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های گستره ادبیات کودک و نوجوان رضوی بر پایه نظریه لیپمن باشد. البته مطالعات پیشینه پژوهش بیشتر معطوف به پژوهش‌هایی است که در آثار روایی غیررضوی حوزه کودک انجام شده که عبارت است از: مکتبی‌فرد (۱۳۸۹) که مهارت تفکر انتقادی را در داستان‌های تألیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۵ بررسی و تبیین کرده و مؤلفه‌های مهارت تفکر انتقادی در داستان‌های مورد مطالعه در طول زمان قوام یافته و با گذر زمان قابل قبولتر شده است. ایروانی و مختاری (۱۳۹۰) تعداد ۴۱ داستان برگزیده

را برای یافتن جایگاه مفاهیم فلسفی: «هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی» در ادبیات داستانی کودک ایران بررسی کرده‌اند که جایگاه مفاهیم معرفت‌شناسی ۱۲ درصد، هستی‌شناسی ۴۹ درصد و ارزش‌شناسی ۳۹ درصد است. نحوه پردازش مفاهیم نشان می‌دهد، پرداختن به مفاهیم مطرح در داستان‌ها از سوی نویسندگان ادبیات داستانی در هیچ حوزه‌ای چنان نیست که برانگیزنده قدرت تفکر در مخاطب باشد. اکبری و همکاران (۱۳۹۱) مضامین فلسفی را در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی بررسی کرده و دریافته‌اند که فراهم کردن محتوای فلسفی متناسب با فرهنگ بومی در متون کلاسیک ادب فارسی و بازنویسی آن‌ها امکان‌پذیر است، اما به‌عنوان رویکردی کل‌گرایانه که به ابعادی چون فرایند تفکر، محتوای فلسفی، غنای ادبی و ویژگی‌های فرهنگ وابسته توجه داشته باشد، متناسب با سن کودکان نیست. رجبی همدانی و همکاران (۱۳۹۶) داستان‌های پریان را بر اساس نظریه لیپمن بررسی کرده و دریافته‌اند که داستان‌ها حاوی مفاهیم فلسفی نظیر عشق، دانایی، زیبایی هستند و زمینه‌پروراندن موضوع و پرورش کندوکاو فلسفی را دارند. سام خانیانی و همکاران (۱۳۹۹) مهارت‌های تفکر فلسفی در شعر کودک و نوجوان غلامرضا بکتاش و ناصر کشاورز را بررسی کرده و دریافته‌اند که مهارت‌های تفکر فلسفی، قدرت استدلال، اعتماد به نفس و برقراری ارتباط با دیگران غیرمستقیم در شعر این شاعران برای آموزش کودکان وجود دارد. اسکندری شرفی و همکاران (۱۴۰۰) ماهی سیاه کوچولو، صمد بهرنگی را بر اساس خوانش فبکی بررسی کرده و نشان داده‌اند که این اثر در سه شاخص ادبی، فلسفی و روان‌شناختی غنای بالایی دارد و با اصلاح ضعف‌های اندک آن می‌توان قابلیت خوانش و استفاده در برنامه فبک را پیدا کند. حیدری‌نسب و همکاران (۱۴۰۰) بسندگی و بسامد گونه‌های فکروروزی خلاق، مراقبتی و انتقادی را در داستان‌های کودکانه گروه «الف، ب و ج» فرهاد حسن‌زاده بررسی کرده و دریافته‌اند که بسندگی و بسامد تفکر خلاق در داستان‌های مورد مطالعه با مؤلفه‌های استدلال و آزمون‌نگری و نیز نوآوری در رفتار بیشترین بسامد را در این مهارت دارد، اما تفکر انتقادی با مؤلفه‌های دیگر اصلاحی و حساسیت به متن و تفکر مراقبتی با مؤلفه رشد مهارت تفکر مسئولانه در رده‌های بعدی است.

۱-۳. ضرورت و هدف پژوهش

لزوم بومی‌سازی داستان‌های برنامه فلسفه برای کودکان یک ضرورت است. پرداختن به این اصل، نیازمند تبیین و بررسی بسندگی ادبی، فلسفی و روان‌شناختی داستان‌های کوتاه و معرفی آن‌ها برای اجرا در حلقه‌های کندوکاو فلسفی مدارس، کانون پرورش فکری و معرفی به خانواده‌هاست؛ اهداف پژوهش حول این محور عبارت است: ۱. تعیین بسندگی ادبی، فلسفی و روان‌شناختی دو مجموعه داستان رضوی مرتضی دانشمند بر پایه برنامه فلسفه برای کودکان، ۲. تبیین کاربست مؤلفه‌های انگاره لیپمن در قصه‌های مورد مطالعه و ۳. معرفی آثار آیینی و رضوی به‌عنوان یکی از منابع پرورش فکرورزی کودکان از منظر برنامه فبک.

۲. بحث و بررسی

تحلیل ادب روایی به‌ویژه ادب روایی آیینی مبتنی بر سیمای معصومین (علیهم‌السلام) بر پایه نظریه‌های ادبی مایه شناخت زیبایی‌شناختی این آثار و تولید معنا در آن‌ها می‌شود. برنامه فلسفه برای کودکان نیز از نظریه‌های ادبی پایه است که هدف آن آموزش چگونگی شرایط زندگی از آغاز دوره کودکی است؛ بنابراین، پژوهش پیش روی قصه‌های رضوی «مهمان امام رضا (علیه‌السلام)» و «آفتاب خراسان» را بر پایه برنامه فلسفه برای کودکان بررسی و تحلیل کرده است تا جلوه‌های زیبایی‌شناختی و تولید معنا را در آن‌ها برای خواننده و مخاطب (کودکان) آشکار کند.

۲-۱. بسندگی فلسفی قصه‌های رضوی

بسندگی فلسفی از شاخص‌های اصلی داستان‌های فبک و در نظر بنیان‌گذاران این برنامه بسیار جدی است که عناصر گوناگونی برای آن تعریف شده است. اگرچه فراوانی این عناصر نمی‌تواند دال بر این باشد که هر داستانی همه این موارد را ندارد، در این رویکرد پذیرفته نیست؛ به عبارتی، لازم نیست همه این عناصر در یک داستان حضور داشته باشد تا آن

داستان دارای بسندگی فلسفی باشد (فیشر، ۱۳۸۵، به نقل از ناجی و مرعشی، ۱۳۹۴: ۹۰). بر این پایه، پرسش‌خیزی داستان‌ها، یافتارهای اخلاقی و فلسفی مانند وجدان، نیاز دینی و جامعه‌پذیری کودک از ویژگی‌های حلقه کندوکاو در قصه‌های مورد مطالعه هستند.

۲-۱-۱. پرسش‌خیزی

لیپمن بر آن است که اندیشه‌های بازتاب یافته در داستان‌ها باید از منابعی مانند معرفت‌شناختی، مابعدالطبیعه، زیبایی‌شناختی، اخلاق، فلسفه تعلیم و تربیت و منطق دریافت شود. برخی از این موضوعات را می‌توان به علت اختصاص حجم بیشتر به موارد دیگر مانند اخلاقیات کنار گذاشت. برای مثال، بخش‌هایی از اخلاق باید تقریباً در هر فصلی از متنی خاص ذکر شود، اگرچه ممکن است، حجمی کم به آن اختصاص داشته شود، اما هر داستان پروراننده تفکر در کودک می‌تواند فقط به یک موضوع فلسفی بپردازد یا ابعاد گوناگون فلسفی اعم از فلسفه اخلاق، منطق، زیبایی‌شناختی، معرفت‌شناختی، متافیزیک و... را تا حد امکان شامل شود (ناجی، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰). آنچه در این داستان‌ها اهمیت دارد، شناخت کودک و امیال و خواسته‌های وی و تلاش برای خلق داستانی است که ذهن کودک را به طرح سؤال و آگاهی بیشتر سوق دهد. هر داستان فلسفی آبستن سؤالاتی در حیطه‌های فلسفه آکادمیک است، اما به زبان کودک و خاص اندیشه پرسشگر وی است که به یاری خود کودک و هدایت مربی و والدین جواب داده می‌شود. لیپمن بر روش فلسفیدن تأکید داشت؛ روشی که پرسش‌های فزاینده به نحوی در آن مطرح و پاسخ به هر سؤال، فقط به سؤالات بیشتر منجر می‌شود (Murriss, 2000: 261). به نقل از اکبری و همکاران، ۳: ۱۳۹۱). نمونه‌ای از پرسش‌های فلسفی کودکان بعد از خوانش قصه‌های مورد پژوهش و ظرفیت هر یک از این قصه‌ها در جدول (۱)، بیانگر اهمیت بافت فلسفی داستان کودکان است، چون کودک گنجینه‌ای از پرسش‌ها در ذهن دارد که ویژگی بسامان داستان خوب، اندوخته فلسفی خاص کودک را نیز پرورش می‌دهد. بچه‌ها علاوه بر بهره‌بردن از متون آموزشی، ذهن خود را با پرسش‌های مکرر که متن داستان توانایی پذیرش آن را دارد، به چالش کشیده، اطلاعات جدید از بزرگسالان خود کسب و دیدگاه‌های خود را نیز اصلاح می‌کنند.

توجه به جدول (۱) نشان می‌دهد که همین پرسش‌های تکراری به ظاهر ساده کودکان که در قسمت «سؤالات فلسفی کودکان» نگاشته شده است، هر یک بار معنایی فلسفه آکادمیک را در خود دارد، اما قالب بیان آن‌ها ساده و کودکانه است. اگر به این سؤالات مکرر کودک به کمک هم‌نظری با وی و این که شما چه می‌اندیشید؟ پاسخ داده نشود، خوانش قصه‌ها نمی‌تواند بار اندیشیدن و اصلاح و بازنگری پیش‌دانسته‌های کودک را اصلاح کند. قصه‌های مرتضی دانشمند که در این پژوهش مطالعه شده، بر اساس جدول، بسندگی لازم برای وادار کردن کودک به اندیشیدن و وادار کردن ذهن وی به شناخت دنیای اطراف نیز دارند و طرح سؤالات گوناگون از طرف کودک به حوصله و دقت تسهیل‌گر ارتباط دارد، زیرا پاسخ به هر سؤال کودک می‌تواند منجر به سؤالات دیگر شود.

جدول (۱) نمونه پرسش‌های فلسفی احتمالی کودکان در حلقه کاندوکا و فلسفی و پرورش تفکر انتقادی به کمک تسهیل‌گر

نام قصه‌ها	فلسفه آکادمیک	سؤالات فلسفی کودکان
تقسیم‌محببت	معرفت‌شناسی	آیا باور به کار خوب، همیشه خوب است؟
	علم اخلاق	به چه کاری، کار خوب گفته می‌شود؟
در راه مانده	علم منطق	آیا با احساسی فکر کردن، باید تمام پول خود را به دیگران ببخشیم؟
	علم منطق	آیا هر پول دادن و کمک به دیگران، خوبی به حساب می‌آید؟
	علم سیاسی و حقوق	چجوری، امام رضا (علیه السلام) فهمید که آن شخص حيله‌گر نیست و در گفتن نیازمندی خود دروغ نمی‌گوید؟
	علم سیاسی و حقوق	چجوری می‌شود به همه کمک کرد و نیازمندی نباشد؟
	علم منطق	مگر امام رضا (علیه السلام) ثروتمند بود که به همه نیازمندان کمک می‌کرد؟
	علم سیاسی و حقوق	آیا دیگران باید قرض بدهکاران را بدهند و خودشان هیچ کاری نکنند؟

میوه‌ات را کامل بخور	فلسفه طبیعت	آیا باید در قبال طبیعت و نعمت خدا، مسئول بود؟
دوپدر مهربان	فلسفه آموزش و پرورش	آموزش چه فایده‌ای دارد؟
وعده امام رضا	فلسفه دین	دین و مذهب چیست؟ چرا باید امام داشته باشیم، چرا باید امام و پیامبر را دوست داشته باشیم؟
اذان پرندگان	فلسفه دین	فایده داشتن امام و پیشوای دینی چیست؟ چرا امام زمان غایب شده، کی برمی‌گردد؟
	متافیزیک	خروس از کجا می‌فهمد که موقع اذان است؟
	متافیزیک	سایه خورشید تا کجا بیاید، موقع اذان است؟
	علم سیاسی و حقوق	چرا خروس، دانه‌هایش را به مرغ و جوجه‌ها می‌دهد؟
خانه نو	علم منطق	آیا خروس‌ها، بابای جوجه‌ها هستند؟
	علم منطق	اگر امام رضا الان بود، کسی مستاجر نبود؟ آیا امام رضا به تمام کارگران فقیرش، خانه می‌بخشید؟
	معرفت‌شناسی	امام رضا چجوری زبان گنجشک را می‌فهمید؟
مار و جوجه گنجشک‌ها	علم منطق	هر گنجشک و حیوانی که سر و صدا کند، چیزی از ما می‌خواهد؟
مهمان امام رضا	علم اخلاق	احترام به مهمان، کار اخلاقی است؟
تشکر به موقع	علم منطق	چون خدا زرق ما را می‌دهد، باید نماز بخوانیم؟ اگر نماز سر وقت خوانده نشود، قبول نمی‌شود؟ مگر خدا به تشکر نیاز دارد؟ اگر تشکر نشود، ناراحت می‌شود؟

۲-۲. یافتارهای فلسفی اخلاقی

فلسفه شامل قواعد علم اخلاق نیز است و فلسفه برای کودکان، برنامه‌ای آرمانی برای آموزش ارزش‌های اخلاقی است. این تجربه‌های اخلاقی کودکان مانند بزرگسالان بدون قید و شرط است. در فلسفه اخلاق مانند هر موضوع آموزشی دیگر، نکته صرفاً این

نیست که کودکان پاسخ‌های درست را بدانند، بلکه باید بفهند چرا آن پاسخ صحیح است و چگونگی رسیدن به این پاسخ‌های صحیح را دریابند (گریگوری و همکاران، ۲۰۰۸، به نقل از ناجی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۵۲-۱۵۳). ذکر مفاهیم ارزشی نظیر دوستی، محبت، کمک به هم‌نوعان، عدالت، احساس مسئولیت در برابر دیگری و مفاهیم ضد ارزشی مانند خشم، مکر، حرص، غرور، تفاخر و... در داستان‌های دینی ما را به این اندیشه سوق می‌دهد که بگوییم این داستان‌ها فلسفی هستند یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است، وجود چه خصیصه‌ای سبب تمایز داستان دینی از فلسفی می‌شود؟ بسیاری از مفاهیمی که برای کودکان گیج‌کننده و معماگونه‌اند، همان مفاهیمی هستند که فلاسفه با آن‌ها درگیرند؛ مفاهیمی چون قوانین، حقیقت، خیر و عدالت و... با این که کودکان درباره این موضوعات و مفاهیم از پیش افکار و عقایدی دارند و یاد می‌گیرند که این عقاید خود را به احکام و آرای سنجیده‌ای تبدیل کنند (ناجی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۱). بر اساس همین سخنان، می‌توان به فیلسوف بودن کودک و قدرت چالش‌انگیزی ذهن وی باور داشت.

مجموعه قصه‌های مورد مطالعه، میزان بسامد یافتارهای فلسفی و نگرش کاربردی آن‌ها، لایه‌ای از زندگی امام رضا (علیه السلام)، خلق و خوی مهربانی (ن.ک: دانشمند، ۱۳۹۶ الف: ۶)، هدایتگری (ن.ک: همان: ۹)، کمک به دیگران (ن.ک: همان: ۱۱)، احترام مهمان (ن.ک: دانشمند، ۱۳۹۶ ب: ۱۳)، دفع حیوان ظالم (ن.ک: همان: ۱۱) و... را به بهانه آموزش اخلاقیات به کودک نشان می‌دهند، ولی به دنبال هر سطر، نمونه‌های فراوانی از سؤالات معماگونه در ذهن کودک نقش می‌بندد که همراهی والدین و مربیان در جوابگویی به این سؤالات، تفکر انتقادی و استدلال کودک را پرورش می‌دهد. هر چه بسامد سؤالات ذهنی کودک، زیادتر باشد، نویسنده به اهداف برنامه فلسفه برای کودکان نزدیک‌تر شده است. هدایت در انتخاب موضوعات اخلاقی و شیوه آموزش آن‌ها مهم‌تر از کندوکاو اخلاقی است، چون هدایت درهای دیگری را نیز باز می‌کند؛ بنابراین، چون بسامد بسندگی فلسفی اخلاقی قصه‌های مورد مطالعه بیشتر است، مواردی از یافتارهای فلسفی اخلاقی نهفته در داستان‌ها تبیین و تحلیل می‌شود.

۱-۲-۲. یادگیری ارزش‌ها و هنجارها

۱-۱-۲-۲. یاری دیگران

همه نظریه‌های رشد اخلاقی بر آن اند که وجدان در اوایل کودکی شکل می‌گیرد و اغلب موافق هستند که اصول اخلاقی کودک در ابتدا به صورت بیرونی و توسط بزرگ‌ترها و به تدریج با معیارهای درونی کنترل می‌شود و افراد پای‌بند، اصول اخلاقی و رفتار خوب و غمخواری را پرورش داده‌اند تا در موقعیت‌های گوناگون اجتماعی از آن پیروی کنند (برک، ۱۳۸۷: ۴۵۸). الگوبرداری کودک و همانندسازی با شخصیت اصلی از پیامدهای نیکوی داستان کودکانه است. الگوبرداری به‌عنوان فرایند جامعه‌پذیری هر فرد سبب می‌شود که کودک بخشی از هنجارها را از محیط فرهنگی و از طریق شخصیت داستان بگیرد. پای‌بندی وجدان اخلاقی امام رضا (علیه‌السلام) باعث می‌شود، کودک وجدان آگاه خود را در فرایند الگوبرداری و همانندسازی دوران کودکی بیدار بگذارد تا بتواند در بزرگسالی به یاری این وجدان بیدار، انسان‌گونه زندگی کند. دانشمند در انتخاب روایت‌های رضوی در این قسمت موفق عمل کرده است، زیرا محتوای قصه‌های «خانه نو»، «تشکر به موقع از خدا»، «تقسیم محبت»، «در راه مانده» و «میوه‌ات را کامل بخور»، حکایتی از بیداری وجدان و تلاش برای یاری دیگران است و کودک در حلقه کندوکاو با کمک تسهیل‌گر به آن‌ها توجه و در ناخودآگاه ثبت می‌کند.

آنچه در فلسفه برای کودکان در فرایند قصه‌گویی دنبال می‌شود، افزایش شناخت درباره ارزش‌ها و مهارت‌های وی به کمک درون‌مایه داستان است؛ چون «خوانش داستان، عملی فلسفی است و کوشش در درک داستان و تأویل آن، کوشش در درک جهان و تأویل آن است» (خسروزاد، ۱۳۸۴: ۳۰). برشی از قصه «در راه مانده»، از مجموعه «آفتاب خراسان» ذهن کودک را به رفتار امام (علیه‌السلام) با نیازمندان معطوف می‌کند: «امام رضا (علیه‌السلام) به اتفاق دیگری رفتند، ۲۰۰ دینار آوردند و به آن مرد دادند و گفتند: این سکه‌ها برای تو باشد، آن‌ها را خرج سفر کن» (دانشمند، ۱۳۹۶ الف: ۱۰). تسهیل‌گر در این بخش از قصه به یاری ذهن پرسشگر کودک می‌آید و کودک را با طرح پرسش مکرر آموزش می‌دهد، چون

کمک به درمانده یک حُسن است و به اندازهٔ توان باید دستگیر درمانده بود. کودک این رفتار نیکورا به ناخودآگاه ذهن می‌سپارد و هنگام مواجهه با این برخوردهای واکنشی به بازتولید می‌پردازد و این روش به آسانی سبب آموزش فلسفهٔ اخلاقیات و ارزش‌ها در کودک می‌شود. چون کودک آنچه آموخته، حاصل دیدن، کاوش، پرسش و استنباط اولیهٔ خود و قضاوت نهایی به کمک تسهیل‌گر است و آموزشی بنیادین در راستای نهادینه کردن ارزش‌هاست.

۲-۲-۱-۲. رعایت حقوق حیوانات و یاری آن‌ها

قضاوت رفتار و سخن امام رضا (علیه السلام) در قصهٔ «مار و جوجه گنجشک‌ها»، کودک شنونده / خوانندهٔ قصه را متوجه هنجار توجه به حیوانات و راندن عوامل تهدیدکننده آن‌ها خواهد کرد و نتایج رفتار امام رضا (علیه السلام) کودک را وادار به ارزیابی و داوری خود و دیگران در بی‌توجهی به حیوانات و آزار آن‌ها می‌کند. تسهیل‌گر باید هنجارهای اخلاقی مرتبط با این رفتار را به کمک نشانه‌های قصه برای کودک بازگو کند تا کودک متناسب با هنجار انسانی تربیت شود: «گنجشک مرتب بال‌هایش را به هم می‌زد و جیک‌جیک می‌کرد. انگار از چیزی ترسیده بود. امام رضا (علیه السلام) از دوستانش پرسیدند: سلیمان! می‌دانی گنجشک چه می‌گوید؟ سلیمان گفت: نمی‌دانم. امام رضا (علیه السلام) گفتند: گنجشک می‌گوید ماری می‌خواهد جوجه‌هایش را بخورد؛ او از ما کمک می‌خواهد. برخیز به حیاط برو و کمکش کن» (همان، ۱۳۹۶، ب: ۱۱).

۲-۲-۱-۳. تفکر در ارزش نعمت‌های الهی و پرهیز از اسراف

حساسیت به رفتارها و رخدادهای مغایر با ارزش‌های اخلاقی در قصهٔ «میوه‌ات را کامل بخور»، آموزش فلسفه است و بازسازی اندیشه را به‌عنوان یک تجربه در ناخودآگاه کودک ثبت می‌کند. کودک مخاطب با شنیدن این قسمت و پی‌بردن به اسراف بیجا، شیوه‌های تفکر انتقادی خود را با ارزیابی رفتار شخصیت قصه به کار می‌اندازد و به کمک دیگراصلاحی که همانا رفتار نادرست شخصیت قصه است، به تفکر مراقبتی ارزش‌نهادن

به نعمت‌های الهی هدایت می‌شود: «چند کودک هم در خانه بودند، یکی از آن‌ها میوه‌ای برداشت، گازی به آن زد ... انداخت دور. امام رضا (علیه‌السلام) به او فرمودند: اگر شما به میوه نیاز ندارید، کسانی هستند که به آن نیاز دارند، آن را به کسی بدهید که به آن نیاز دارد(همان: ۹).

۲-۲-۲. نهادینگی ارزش‌های مبتنی بر فرهنگ اسلامی

۲-۲-۲.۱. اهمیت دادن به فطرت خداجوی کودک

ناخودآگاهی فطرت انسانی در پی شناخت یافتارهای خداجویی، خداخواهی، احساس نیازمندی به معبود، زیبادوستی، کنجکاوی و ... بوده است و این یافتارهای کلی اخلاقی را دین و فلسفه می‌نامند. خدامداری و اعتقاد به گرداننده هستی از نیازهای اصلی انسان از کودکی تا بزرگسالی است. «کودکان همواره در پی یافتن پاسخی درخور به پرسش‌های بنیادین خود هستند و چون فیلسوف بزرگ به دنبال یافتن پاسخی برای پرسش‌های ازلی و ابدی اند» (محمدخانی، ۱۳۸۴: ۵۴). نهادینه کردن ارزش‌ها در کودکی از بزرگسالی مهم‌تر است، چون بی‌اعتقادی به ارزش‌های دینی و رفتاری مبتنی بر آن سبب می‌شود، کودک در شناخت معیارهای درست از نادرست به بیراهه برود و در نهایت در بزرگسالی به سرخوردگی و پوچی برسد. نظر به اهمیت این مطلب، نویسندگان حوزه کودک باید در آفریدن کتاب مذهبی و سواس بیشتری داشته باشند و آموزش اخلاقیات دینی در این آثار تا حد امکان غیرمستقیم و دور از تعصب بر ارائه مطلب باشد و کودک را در سامان‌دهی مطالب با فضاسازی مناسب برای حساسیت به متن و پرسشگری ترغیب کنند. گفتن مطلبی که اشتیاق و تأمل را در کودک بیدار کند، سودمندتر و ماندگارتر است، چنان‌که قصه «اذان پرنندگان» و «تشکر به موقع از خدا» لزوم سپاسگزاری از خداوند و فلسفه نماز به موقع را به کودک گوشزد و پرسشگری مکرر کودک راه شناخت و تفکر را برای وی به کمک تحریک تسهیل‌گر باز می‌کند: «به پدر می‌گویم: من هم دوست دارم نماز را در اول وقت بخوانم، اما گاهی وقت‌ها حال و حوصله‌اش را ندارم. پدر می‌گوید: من هم چند

بار تصمیم گرفته بودم نمازم را اول وقت بخوانم، ولی موفق نمی‌شدم. بعد فکری باعث شد همیشه نمازهایم را سر وقت بخوانم، فکر کردم وقتی می‌بینم خدای مهربان، همیشه رزق و روزی‌اش را سر وقت برای من می‌فرستد، من هم سعی کنم سر وقت از او تشکر کنم (دانشمند، ۱۳۹۶ ب: ۱۶).

۲-۲-۲. لزوم هدایت از سوی پیشوای دینی در زندگی

قصه «دوپدر مهربان» لزوم پیروی از پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ و جانشینی حضرت علی (علیه السلام) را به شیوه داستان بیان کرده است. تسهیل‌گر به لزوم هدایت انسان‌ها توسط پیشوایان دینی در این قصه پرداخته است، زیرا توجه به ارزش‌های دینی نیازمند آموزش زیربنایی است. قصه‌های این مجموعه به صورت کوتاه و گذرا به ارزش‌های دینی و پای‌بندی به نصایح پیامبر اسلام ﷺ توجه کرده است، اما هنر و درایت تسهیل‌گر این ارزش را به کمک توضیحات آشکار و آفریدن پرسش و تفکر در کودک نهادینه می‌کند: «امام رضا (علیه السلام) گفتند: پیامبر ما حضرت محمد ﷺ و پسر عمویش حضرت علی (علیه السلام) دو پدر مهربان‌اند، آن‌ها شما را دوست دارند، از ناراحتی شما ناراحت می‌شوند، برای شما دعا می‌کنند و اگر دعا کنید، آن‌ها آمین می‌گویند» (همان، ۱۳۹۶ الف: ۱۲).

۳-۲-۲. ایمان و اعتقاد به ظهور منجی

نویسنده در قسمتی از قصه «وعدۀ امام رضا (علیه السلام)» به مسئله ظهور حضرت مهدی و پر شدن دنیا از خوبی و روشنایی با ظهور ایشان اشاره کرده است. غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) ذهن کودک را به پرسش و حیرت فرا می‌خواند و تسهیل‌گر برای تثبیت اندیشه ظهور در ذهن کودک باید متناسب با سن کودک در این باره توضیح دهد و به التزام آمدن حضرت مهدی (علیه السلام) به کمک قرینه‌های متن و پرسش‌های مکرر از کودک بپردازد. سپس لازمه برقراری عدالت را در ظهور منجی با کمک استدلال‌های کودکانه مخاطب به اثبات برساند تا کودک به راحتی این مطلب را بفهمد: «او چهارمین فرزند از نوادگان من است که مردم مدت‌های طولانی او را نمی‌بینند، پس از آن از شهر مکه قیام می‌کند، وقتی او قیام کند،

همه زشتی‌ها و بدی‌ها را از زمین پاک خواهد کرد و جهان پر از خوبی و روشنایی خواهد شد» (همان: ۱۵).

۲-۳. یافتارهای فلسفی اجتماعی

شنیدنی‌ترین مفاهیم دینی و اخلاقی کودکانه در بافت و ساختار قصه نهادینه شده است. ذهن کودکان بین رخدادهای داستان و کارهای شخصیت اصلی و زندگی خود ارتباط برقرار می‌کند. این روش را همانندسازی نامیده‌اند و از اهداف پیش روی داستان است که نویسنده قصد دارد، این حس را در خواننده به طرق مختلف بیدار کند. کودک خود را در جایگاه قهرمان داستان فرض می‌کند، مانند او می‌اندیشد، گاهی پا پیش می‌گذارد و قهرمان را در ذهن خود در اندیشه درست و کار بهتر یاری می‌دهد. کودکان با قرار دادن خود به جای قهرمانان داستان متوجه می‌شوند، با اینکه کوچک هستند، تلاش آن‌ها نتیجه خواهد داد و می‌توانند کارهایی ارزشمند انجام دهند و مفید واقع شوند. کودکان علاوه بر همانندسازی، می‌خوانند تا لذت خواندن را تجربه و دنیایی جدید را همراه شخصیت‌های یک اثر در کشاکش حوادث داستان کشف کنند. اثرگذاری آموزشی و تربیتی ادبیات به‌ویژه ادبیات داستانی در روند شکل‌گیری و رشد شخصیت کودک انکارناپذیر است. البته این اثر به توانایی نویسنده در چیدمان قصه بستگی دارد و نویسنده کودک بیش از آن که به دنبال سرگرم کردن کودک باشد، باید شگرد تفکر مراقبتی را در وی بیدار کند.

۲-۳-۱. ارتباط مؤثر با دیگران

نگرش دوست‌داشتن و عزیز بودن مهمان از هنجارهای اجتماعی است که فلسفه توجه به آن در قصه «مهمان امام رضا» بیان و باعث پرورش تفکر ارزش‌گذاری و هنجاریابی کودک شده است. کودک در این قصه به بافت روابط اجتماعی و لزوم احترام به دیگران به کمک همانندسازی پی می‌برد. ذکر این مسئله از داستان و هدایت تسهیل‌گر ذهن کودک را متوجه موارد دیگری از ارتباط مؤثر و جامعه‌پذیری می‌کند: «مرد زود دستش را جلو آورد

تا چراغ را روشن کند، ولی امام رضا (علیه السلام) اجازه ندادند. خودشان چراغ را برداشتند، روشن کردند و جلوی مهمان گذاشتند و گفتند: «ما از خانواده‌ای هستیم که اجازه نمی‌دهیم مهمانان در خانه ما کار کند» (همان، ۱۳۹۶: ب: ۱۳). قصه‌های «در راه مانده»، «میوه‌ات را کامل بخور»، «تقسیم محبت»، «خانه نو» و «مهمان امام رضا (علیه السلام)» نگرش همانندسازی و زمینه‌پرورش تفکر مراقبتی را در کودک تقویت می‌کند و وی را برای جامعه‌پذیری، درک حوادث جامعه، نحوه ارتباط با هم‌نوعان و مثبت‌اندیشی در برخورد با دیگران آماده می‌کند. هر یک از این مفاهیم مذکور، ارزش‌های حاکم بر جامعه اسلامی است که کودک غیرمستقیم از بافت قصه یاد می‌گیرد و چرایی آن به کمک تسهیل‌گر تثبیت می‌شود.

۲-۴. بسندگی ادبی

تقویت بسامد واژگان، تمرکز فکری و تحلیل مسائل از دستاوردهای قصه‌خوانی است. اگر قصه‌ای این مسیر را مهیا کند و زمینه‌ساز خلاقیت‌اندیشگی و آموزش مسائل فلسفی باشد، می‌توان گفت که تعلیم و تربیت سهم‌غنای ادبی داستان خواهد بود، چون داستان ابزاری برای شروع کندوکاو در برنامه فبک است. البته ضرورتی ندارد که شاهرکار ادبی باشد، بلکه غنای ادبی تا اندازه‌ای که بتواند جذابیت داستان را حفظ کند، کافی است (فیشر، ۱۳۸۵، به نقل از ناجی و مرعشی، ۱۳۹۴: ۸۹)؛ بنابراین، قصه‌های مورد مطالعه از بسندگی ادبی برخوردار و ابزاری مناسب برای برنامه فبک هستند. نمونه‌هایی از بسندگی یا نداشتن غنای ادبی قصه‌های این پژوهش ذکر می‌شود تا از این منظر نگاه نویسندگان حوزه کودک، بیشتر به غنای ادبی متمرکز شود، چون غنای ادبی راه‌فکروری و تمایل کودک به ادامه داستان را بیشتر می‌کند.

۲-۴-۱. شخصیت و شخصیت‌پردازی

قصه بر محور شخصیت می‌چرخد و دگرگونی حادثه، جدال، طرح، توطئه و دیگر

عوامل همه بر اثر دگرگونی شخصیت شکل می‌پذیرد. عامل شخصیت، عینیت‌دهنده به زندگی اجتماعی قصه است (براهنی، ۱۳۶۲: ۲۴۲). «هر داستانی روایتگر اعمال، گفتار، اندیشه، کشمکش‌های ذهنی و دغدغه‌های یک شخصیت است و عناصر مختلف شخصیت‌پردازی معمولاً در گفتمان با یکدیگر ترکیب می‌شوند» (لوته، ۱۳۸۶: ۱۱۱). شخصیت و معرفی وی در داستان، بار معنایی و فکری داستان را کامل نمی‌کند، اگرچه خلق شخصیت داستان با هیجان همراه است و مهم‌ترین کار یک نویسنده را رقم می‌زند، اما شخصیتی در داستان جذاب است که از آغاز تا پایان به آگاهی و شناخت برسد و این آگاهی را بدون تحمیل به مخاطب القا کند. قصه‌های دو مجموعه مورد مطالعه، روایت‌گونه و شخصیت‌های داستان محدود و اندک هستند که کارهای نیک و نیکوکاری آن‌ها حول رفتارهای درخور امام رضا (علیه السلام) است. بهتر بود که شخصیت‌های منفی نیز انتخاب می‌شدند که در جریان داستان با هدایت و الگوبرداری از امام (علیه السلام) تغییر رفتار می‌دادند. تعدد شخصیت‌ها، گفت‌وگوی متقابل آن‌ها، دگرگونی رفتار آن‌ها چالش و سؤالات متنوعی را به تبع آن در کودک ایجاد می‌کند، اما نبود این ویژگی قابلیت پرورش تفکر انتقادی را از این داستان‌ها سلب کرده است.

۲-۴-۲. درون‌مایه (تم) داستان

درون‌مایه، تفکری است که داستان را یکپارچه نگه می‌دارد. آنچه در درون‌مایه اهمیت دارد، نگاه ویژه نویسنده به موضوع و شیوه ترسیم آن است. «درون‌مایه را می‌توان به‌عنوان تفسیری بر موضوع داستان تلقی کرد که چیزی را درباره زندگی یا ماهیت انسان‌ها آشکار می‌سازد» (پاینده، ۱۳۸۶: ۱۱۴). تحمل سختی‌ها و بردباری، نوع دوستی، توجه به نیاز دیگران، خدامحوری، توجه به هدایت امامان از پیامدهای حوادث قصه‌های این دو مجموعه قصه است. نویسنده این قصه‌ها، ذهن کودک را غیرمستقیم درگیر آموزش و پرورش تفکر مراقبتی (اخلاقیات) می‌کند. به کمک تبادل نظر بین کودک و تسهیل‌گر پیامد قصه در ذهن کودک ثبت می‌شود و کودک از این آموخته‌ها بهره‌کاربردی خواهد گرفت. اگرچه بافت قصه‌های دو مجموعه مورد مطالعه کوتاه است و شاید کودک به راحتی بتواند به

درون مایه اصلی قصه پی ببرد، اما تأثیر و لذت بخشی این آموزه‌ها ماندگار است، زیرا کودک و نوجوان بدون اجبار، ترس و کلیشه بودن نصایح بزرگسالان خیلی از اخلاقیات را می‌آموزد و قدمی رو به جلو در درک هستی و معبود بر می‌دارد. می‌توان گفت کفایت درون مایه قصه‌های رضوی مورد مطالعه در آموزش اخلاقیات قابل قبول است، اما نویسنده می‌تواند ذهن کودک را با فضا سازی بیشتر به تفکر وادار کند.

۲-۴-۳. فضا سازی

فضا حالتی عاطفی است که بر بخشی از یک اثر ادبی یا سراسر آن سایه می‌افکند و حالت و احساسی خاص درباره جریان وقایع داستان در خواننده ایجاد می‌کند که ممکن است به تبع آن، درون مایه داستان سرد و بی‌روح، پرامید و اضطراب آور باشد. از سوی دیگر، نویسنده، خواننده را با بیان حالت درونی شخصیت‌ها و فضای ذهنی اثر با احساس و افکار خویش آشنا می‌سازد (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۰۴). فضای داستانی قصه‌های مورد پژوهش، جدا از محتوای آن‌ها تا حدودی از عنصر فضا سازی و چیدمان داستان بر اساس ذوق و هیجان کودکان خالی است و سردی بر داستان‌ها حکم فرماست و حالت روایت گونه خود را حفظ کرده‌اند. همین سردی فضا از هیجان و شور و شوق کودک برای پرسش و ادامه سخن می‌کاهد و از لحاظ بسامد روان شناختی مخلاً ایجاد تفکر در کودک است. به عنوان نمونه، حکایت زیر در فضا سازی و چیدمان واژه ضعف فنی دارد. چنان که نویسنده ماجرای وزیدن باد، خاموشی چراغ و تاریکی خانه را دور از هیجان خاص کودک به شیوه متن عینی بیان کرده است، در حالی که گوش کودک و سلیقه پذیرش وی با جمله اخبار گونه مغایرت دارد و خواهان تخیل گسترده در متن قصه است: «آن‌ها زیر چراغ نشستند و گفت‌وگو می‌کردند که یک دفعه بادی وزید و چراغ را خاموش کرد و فضای خانه تاریک شد» (دانشمند، ۱۳۹۶: ب: ۱۳). اگر نویسنده کودک به هیجانات و ذهن تخیل طلب وی توجه کند، می‌تواند فضای داستان را گسترش دهد و بر حسب ذوق کودک ارائه کند، چون فضا سازی سبب علاقه مندی کودک به داستان می‌شود و گوش سپردن و دقت وی را بیشتر خواهد کرد.

۴-۴-۲. پایان غیر تلقینی

پایان‌بندی غیر تلقینی یک اصل در داستان‌های کودک است، چون کودک از امر و نهی مستقیم‌گریزان است و پایان غیر تلقینی داستان کودک را به فکر کردن، تصمیم‌گیری و انتخاب وامی‌دارد تا امر انتخاب و قاطعیت در تصمیم‌گیری را یاد بگیرد. اغلب قصه‌های رضوی مورد مطالعه غیر تلقینی هستند و نویسنده اندیشه و کلمات داستان را در ذهن کودک جای می‌دهد و آنچه را باید بشنود، به وی نشان می‌دهد. پیامد فلسفی این قصه‌ها اندیشه دینی و اجتماعی کودک را پر بار و خواسته‌های فطری وی را به خداشناسی، اهداف نیک و فلسفه وجود امام و رهبر راهنمایی می‌کند. درون‌مایه اصلی قصه‌ها کمال‌طلبی است که شخصیت کودک قصه‌خوان به‌تنهایی و از طریق آموزه‌های آن رشد می‌کند و به کمال می‌رسد.

۵-۲. بسندگی روان‌شناختی

بسندگی روان‌شناختی از ویژگی‌های داستان‌های فبک است؛ یعنی داستان‌های مناسب کودکان و اجرای آن‌ها در حلقه کاندوکاو، علاوه بر بسندگی ادبی و فلسفی، نیازمند بسندگی روان‌شناختی در نگارش یا گزینش است و نیازها، عواطف، احساسات و ویژگی‌های روان‌شناختی کودک را مناسب سنّ وی پژوهاک می‌دهد (مجیدحبیبی عراقی، ۱۳۹۴: ۹۱). بسندگی روان‌شناختی تناسب سنی کودک با زبان، توانایی‌های فکری و یافتارها در اجزا و عناصر داستان است. نمونه‌ای از کفایت یا عدم کفایت بسندگی روان‌شناختی بر پایه بررسی قصه‌های مورد پژوهش ذکر می‌شود:

۱-۵-۲. درک واژگانی کودک

رعایت سطح مخاطب و سبک نگارش متن اصلی در آفرینش داستان‌های فبک مهم است. داستانی می‌تواند در پرورش خلاقیت و رشد تفکر انتقادی کودک سهیم باشد و مطلب را به‌سادگی به کودک منتقل کند که ابهام در واژگان و نوع جمله‌بندی نداشته

باشد و از انتقال اصل مطلب دور نشود. قصه‌های رضوی مورد بررسی متناسب واژگان و عواطف را برای گروه سنی مد نظر رعایت کرده و ابهامی در واژگان ندارد. نمونه این ویژگی، جمله‌پردازی ساده این حکایت است که سیر خطی راست و دور از حواشی و کلمات مبهم دارد و کودک علاوه بر درکی درست از زمان، با وقت‌شناسی برخی از پرنده‌ها نیز آشنا می‌شود: «می‌گوییم: قدیم‌ها که ساعت اختراع نشده بود، مردم چطور می‌فهمیدند، وقت نماز شده؟ پدر می‌گوید: از راه‌های مختلف، مثلاً نگاه کردن به خورشید و مقدار سایه آن یا خواندن پرنده‌ها. با تعجب می‌پرسم: مگر پرنده‌ها هم وقت اذان را می‌فهمند؟ پدر می‌گوید: همه که نه! بعضی از آن‌ها مثل خروس وقت اذان را می‌فهمند و مردم را برای نماز بیدار می‌کنند» (دانشمند، ۱۳۹۶ ب: ۷).

۲-۵-۲. باورپذیری

شناخت مخاطب و شیوه ارائه سخن متناسب با عقیده و باور وی اصلی مهم در نگارش و گزینش داستان فبک است. مواردی از رفتار امام رضا (علیه السلام) نظیر خانه بزرگ‌تر خریدن برای کارگرس و ۲۰۰ دینار به درمانده دادن، بدون شناخت وی ممکن است، ذهن کودک را در قصه‌های مورد پژوهش به چالش و سرانجام عدم پذیرش بکشد. این نکته می‌تواند ضعف پردازش و نگارش قصه‌ها باشد، چون بدون تفصیل ماجرا با ذهن پرسشگر کودک مواجه می‌شود. نویسنده باید دلیل کودک‌پسند برای موجه نشان دادن رفتارهای شخصیت قصه ارائه دهد تا مضمون در ذهن کودک باورپذیر شود. نمونه این خلاصه‌نویسی و شرح ندادن ماجرای کل داستان، حکایت «خانه نو» است که امام با شنیدن قصه خانه کوچک کارگر برای وی خانه می‌خرد و این کردار از کارهای خیری است که کودک امروز نمی‌تواند آن را بدون شرح ماجرا بپذیرد، زیرا قصه فقط خانه کوچک کارگر را روایت کرده و عوامل دیگر و مشقت و رنج کار را به‌شیوه محسوس ذکر نکرده است و کودک امروز عملاً شاهد دیدن خانه‌های کوچک قشر کمتر برخوردار است و بین این داستان و آنچه می‌بیند، نمی‌تواند توازن برقرار کند. این مسئله باورناپذیری، درک شناخت بیشتر و ارزش‌گذاری یاری‌رسانی به زبردستان را به‌عنوان تفکر مراقبتی کمرنگ جلوه می‌دهد: پدر می‌گوید: «مردی هر

روز به خانه امام رضا (علیه السلام) می‌آمد و در کارها به ایشان کمک می‌کرد. عصر که می‌شد، مزدش را از امام رضا (علیه السلام) می‌گرفت و با خوشحالی به خانه‌شان می‌رفت. مرد فقط یک ناراحتی داشت. خانه آن‌ها خیلی کوچک بود و در آن راحت نبودند. یک روز مثل همیشه مرد به خانه امام رضا (علیه السلام) آمد و در کارها به امام کمک کرد. آن روز امام رضا (علیه السلام) کلیدی را به او داد. مرد گفت: این کلید کجاست؟ امام رضا (علیه السلام) گفت: کلید خانه جدید شماست. خانه شما کوچک بود. من این خانه را برایتان خریدم که راحت‌تر باشید» (همان: ۸).

۳. نتیجه‌گیری

ضرورت توجه به بومی‌سازی داستان‌های برنامه فلسفه برای کودکان ایجاب می‌کند که بسترسازی و چگونگی نگارش و گزینش داستان‌های فبک برای پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی و مسئولانه کودکان فراهم شود. مجموعه قصه‌های «مهمان امام رضا (علیه السلام)» و «آفتاب خراسان» از مرتضی دانشمند، مبتنی بر بسندگی‌های ادبی، فلسفی و روان‌شناختی است. قصه‌های مطالعه‌شده، جذابیت‌های ادبی مانند گفت‌وگو و یافتارهای پرسشی و چالشی حلقه کندوکاو با بن‌مایه‌های ارزشمند اخلاقی را در زبانی مناسب کودکان در بر دارند که نسلی کارآمد و دین‌ورز با ذهنی چالشی مبتنی بر حلقه کندوکاو برای آینده پرورش خواهند بود. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، مجموعه قصه‌های مورد مطالعه از بسندگی فلسفی و ظرفیت پرسش‌های چالشی برخوردار هستند. قصه‌های مطالعه‌شده این پژوهش دارای بیشترین سؤالات در حیطه علم منطق و پس از آن، علوم سیاسی و حقوق در دسته دوم و دین، متافیزیک، اخلاق و معرفت‌شناسی در دسته سوم هستند. یافتارهای فلسفی اخلاقی این قصه‌ها مبتنی بر تقویت تفکر برای یادگیری و نهادینه کردن ارزش‌ها و هنجارها است. همچنین تقویت تفکر انتقادی، آماده‌سازی کودک برای جامعه‌پذیری و ارتباط مؤثر با دیگران پیرامون این یافتارهای فلسفی اخلاقی است که بیداری وجدان کودک خواننده / شنونده را در پی دارد، چنان‌که در پرورش تفکر مراقبتی ارزش‌گذاری، تقویت عاطفه و همدلی، نوع‌دوستی، یاری به دیگران و توجه به دین و مذهب آگاهی لازم را به وی می‌دهد.

شخصیت در قصه‌های مورد مطالعه، محدود است و قصه‌ها حالت روایت‌گونه دارند که این ویژگی حساسیت به متن و چالش‌انگیزی ماجراهای قصه‌ها را به واسطه عملکرد شخصیت‌های داستانی ضعیف نشان می‌دهد؛ بنابراین، داستانی در قالب فبک خلاقیت‌پرور است که شخصیتی هیجانی مناسب روحیه کودک در داستان حضور داشته باشد تا اوج و فرود آن بالنده باشد. درون‌مایه قصه‌ها در راستای آموزش هنجارهای اخلاقی، دینی و اجتماعی است و پایان غیرتلقینی دارد. بسترسازی فضاها به دلیل غلبه حالت روایت‌گونه قصه‌ها تا حدودی ضعیف است و جذابیت قصه را در نظر کودک کم‌رنگ جلوه می‌دهد و سبب ایستایی فکروروزی در کودک می‌شود.

بسندگی روان‌شناختی قصه‌ها از نگاه به سطح مخاطب و سبک نگارش متن در راستای پیشبرد اهداف آموزشی فبک و آگاهی‌بخشی به کودک و از سادگی بیان برخوردار است، اما جنبه باورپذیری پیرنگ برخی قصه‌ها از زاویه شرایط زمانی و مکانی کودک امروز، نیازمند گفت‌وگوی چالشی است. البته نباید این رویکرد را ایراد قصه‌ها دانست، اگر چه تقویت فضاسازی، استدلال و پرسش‌گری کودک را در پی دارد و جنبه باورپذیری پیرنگ قصه‌ها را تقویت می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

- اکبری، احمد و همکاران. (۱۳۹۱). «فلسفه برای کودکان (p4c)، مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی». تفکر و کودک. س ۳. ش ۲. صص: ۲۵-۱.
- براهنی، رضا. (۱۳۶۲). قصه‌گویی. تهران: نشر نو.
- برک، لورا. (۱۳۸۷). روان‌شناسی رشد از لقاچ تا کودکی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. ج ۱. تهران: ارسباران.
- پاینده، حسین. (۱۳۸۶). «رمان پسامدرن چیست»، ادب پژوهی. ش ۲. صص: ۴۸-۱۱.
- پریخ، مهری؛ پریخ، زهره و مجدی، زهرا. (۱۳۸۹). «رد پای مفاهیم فلسفی در داستان‌های کودکان؛ پژوهشی پیرامون شناسایی عناصر مرتبط با آموزش تفکر فلسفی». مطالعات کتابداری و علم‌اطلاعات. سال ۳. ش ۴. صص: ۵۷-۸۰.
- خسرونژاد، مرتضی. (۱۳۸۴). «درباره مؤلفه‌های داستان کودک و برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نوجوانان». کتاب ماه کودک و نوجوانان. سال ۶. ش ۱۲. صص: ۳۰-۲۶.
- دانشمند، مرتضی. (۱۳۹۶ الف). آفتاب خراسان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- _____ . (۱۳۹۶ ب). مهمان امام رضا علیه السلام. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شریفی اسدی، محمدعلی. (۱۳۸۷). «نگاهی به آموزش فلسفه برای کودکان در ایران و چالش‌های فراروی آن». معارف عقلی، ش ۱۰. صص: ۹۵-۱۱۴.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). نقد ادبی. تهران: میترا.
- شوشتری، اکرم؛ صفایی مقدم، مسعود؛ منصور مرعشی. (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی آراء تربیتی ژان پیاژه و متیو لیپمن با تأکید بر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان». پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت. سال ۳. ش ۱. صص: ۲۶-۵.
- فخرایی، الهام. (۱۳۸۹). «فلسفه برای کودکان؛ گامی به سوی پیوند با جامعه». تفکر و کودک. س ۱. ش ۱. صص: ۶۹-۸۱.
- کم، فیلیپ. (۱۳۸۹). با هم فکر کردن (کندوکا‌های فلسفی برای کلاس). ترجمه فرزانه شهرتاش و مؤژان رشتچی. تهران: شهرتاش.
- گریگوری، مان و دیگران. (۲۰۰۸). «فلسفه و فلسفه برای کودکان و نوجوانان». کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان. به اهتمام سعید ناجی. (۱۳۹۶). ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لوته، یاکوب. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما. تهران: مینوی خرد.
- لیپمن، متیو. (۱۳۹۰ الف). «فلسفه برای کودکان و نوجوانان چیست؟». کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان. به اهتمام سعید ناجی. (۱۳۹۶). ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ . (۱۳۹۰ ب). «پارادیم تأملی تعلیم و تربیت و کتاب‌های p4c». کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان. به اهتمام سعید ناجی. (۱۳۹۶). ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ . (۱۳۸۲). «فلسفه برای کودکان و نوجوانان، گفت‌وگو با متیو لیپمن». ترجمه سعید ناجی. کتاب ماه ادبیات و فلسفه. ش ۷۴. صص: ۳۱-۲۶.
- مجیدحیبی عراقی، لیلیا. (۱۳۹۴). داستانی برای کندوکاو. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدخانی، کوروش. (۱۳۸۴). «کودکان و جهان تخیلی افسانه‌ها». ادبیات داستانی. ش ۹۹ و ۹۸. صص: ۵۲-۵۵.

- ناجی، سعید؛ مرعشی، منصور. (۱۳۹۴). «کفایت فلسفی در داستان‌های فلسفه برای کودکان و نوجوانان». تفکر و کودک. س ۶. ش ۱۱. صص: ۸۷-۱۱۱.
- ناجی، سعید. (۱۳۹۵). معیار فیک برای داستان: نقد و بررسی داستان‌های مورد استفاده برای آموزش تفکر در ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

